

تجربہ المسائل

توجیہ ہا و بہانہ ہایی برای
با حسین علیہ السلام نبودن

سید علی اصغر علوی
با همکاری محمد عبدالحسین زاده
با مقدمه
استاد دکتر علی رضاییان



فهرست

۲۰	مقدمه استاد
۲۲	مقدمه ویرایش دوم: جلسه توجیهی!
۲۵	مقدمه
۲۷	واکاوی مفهوم توجیه
۲۹	توجیه در کلام بزرگان:
۲۹	امام و رهبر معظم انقلاب
۳۰	عقل و شرع حسینی!
۳۱	گیجی بزرگان و بصیرت زینبی
۳۲	توجیه خواص، لب و جوهره حادثه عاشورا
۳۳	توجیهاتی که امام حسین (ع) نکرد!
۳۴	انجام تکلیف و هزینه های بزرگ (کشته شدن!)
۳۵	اسارت آل الله
۳۶	الضرورات تبیح المحظورات!
۳۷	توجیه در آینه آیات
۳۸	بی حفاظی خانه، توجیهی برای فرار از جهاد
۳۹	توجیه، راهی برای فرار از مسئولیت
۴۰	توجیهات بنی اسرائیلی
۴۲	اصحاب شنبه!
۴۵	طیف شناسی توجیه
۴۷	۱- توجیهات عقیدتی
۴۸	جبری گری و توجیه بزرگ ترین جنایت تاریخ
۴۹	توجیه شمر
۵۰	۲- توجیهات سیاسی
۵۱	توطئه تفرقه با توجیه مسجدسازی (مسجد ضرار)
۵۳	امیرمؤمنان (ع) در برابر توجیه گری بزرگ
۵۴	شهادت عمار یاسرو توجیه معاویه
۵۵	بزرگ ترین جنایات با توجیه صلح
۵۶	۳- توجیهات اجتماعی

۵۷	بهانه نابودی اسلام
۵۸	۴- توجیهات روانی
۶۰	توجیه و تهمت
۶۱	۵- توجیهات فرهنگی
۶۲	شیوه مواجهه با توجیه گر به سبک امام صادق (ع)
۶۶	۶- توجیهات اقتصادی
۶۷	۷- توجیهات نظامی
۶۸	توجیه در جنگ خندق
۶۹	توجیه در جنگ تبوک
۷۰	توجیه در آستانه صلح حدیبیه
۷۳	از توجیه جهادی (!) تا جهاد فرهنگی
۷۴	توجیهات مقدس
۷۵	توجیه مسلم بن عقبه در کشتار واقعه حرّه به هنگام مرگش
۷۵	توجیه به منجیق بستن خانه خدا
۷۷	توجیهات در کربلا
۷۹	می خواستم طواف کنم (بهانه حج)
۸۱	می خواستم تفسیر بگویم (بهانه تفسیر)
۸۲	اسلام به من نیاز داشت (بهانه اسلام)
۸۳	از دشمن می ترسیدم (بهانه ترس)
۸۴	ترس، عامل گریز بسیاری از بزرگان
۸۵	نترسیدن از عظمت پوشالی دشمن؛ راز عظمت شهادی کربلا
۸۶	توصیه های یک دیپلمات به عباس بن علی (ع)
۸۹	شجاعت مواجه شدن با یک دنیا
۹۰	ابزارم برای تو (بهانه کمک)
۹۱	مردی که به جای خویش، اسبش را به امام بخشید!
۹۲	می خواستم زندگی کنم (بهانه زندگی دنیا)
۹۳	دنیا دوستی؛ ریشه توجیه
۹۵	حیات حسینی
۹۶	می خواستم سیاسی نباشم (بهانه سیاست)
۹۸	تماشاچی ممنوع!
۹۹	زاهد بی بصیرت
۱۰۱	راز تنهایی مسلم
۱۰۳	می خواستم عبادت کنم (بهانه عبادت)
۱۰۳	می خواستم راحت باشم (بهانه راحتی)
۱۰۴	آزمون رنج و بلا
۱۰۶	نابینا و غلیل بودم (بهانه هایی از جنس نقص عضو)
۱۰۸	معلول کربلا

- ۱۰۹ نایب‌ای کربلا
 ۱۱۲ می‌خواستم خانواده‌ام راحت باشد (بهانه خانواده)
 ۱۱۴ جامانده از قافله شهدا
 ۱۱۶ می‌خواستم یکه‌تاز و بی‌بدیل باشم (بهانه عقب‌افتادگی)
 ۱۱۸ مجبورم انجام دهم
 ۱۱۹ رقابت شمر و عمرین سعد
 ۱۲۱ بی‌تفاوتی ممنوع حتی در دیدن و شنیدن!
 ۱۲۳ می‌خواستم ثواب کنم (بهانه ذکر و قرب و خدا)
 ۱۲۴ کوفه: کنزالایمان یا قاتل الحسین
 ۱۲۶ قرب به خدا با کشتن ولی خدا!!
 ۱۲۷ می‌خواستم عزیز باشم (بهانه عزت)
 ۱۲۸ مستکبر، عزت نمی‌دهد
 ۱۲۹ می‌خواستم آبرو داشته باشم (بهانه آبرو)
 ۱۳۱ و جیهاً بالحسین
 ۱۳۲ می‌خواستم امام حسین را هم داشته باشم (بهانه اولویت)
 ۱۳۲ اول حسین...
 ۱۳۲ یک مخالفت خوب با ارباب!
 ۱۳۵ کربلا، سرزمین بی‌بهانگی
 ۱۳۷ کربلا پایان بخش سردرگمی
 ۱۳۹ جمع‌بندی
 ۱۴۱ تکلیف‌شناسی
 ۱۴۲ ولایت؛ عاملی موثر برای مقابله با توجیه
 ۱۴۴ چرا امت از امام حسین حمایت نکردند؟
 ۱۴۴ ۱- عقب‌گرد به جاهلیت
 ۱۴۶ ۲- دنیاطلبی
 ۱۴۸ ۳- رهاکردن تکلیف از سوی خواص
 ۱۵۰ ۴- غفلت
 ۱۵۱ ۵- ترس از جان و مال
 ۱۵۲ ۶- جهل و نادانی
 ۱۵۳ توجیه‌گر نباشیم؟!
 ۱۵۸ پی‌نوشت‌ها

۲۰. سبب توجبات المسائل بر ملا

مقدمه استاد^۱

بسم الله الرحمن الرحيم
هست ملکی در گنج حکیم

به جای مقدمه

آدمی به طور ناخودآگاه فرا می گیرد که به چه چیزهایی توجه کند و چه چیزهایی را مورد توجه قرار ندهد، زمان و مکان را چگونه تقسیم کند، چگونه گام بردارد و سخن بگوید یا هیکل خود را به کار گیرد، چگونه با دیگران ارتباط برقرار کند و چگونه از عهده مسئولیتی برآید. اصولاً پیش فرض ها و انتظارات آدمی از گهواره ای که در آن است، شکل می گیرد. بیش تر درس های فرهنگی با مشاهده و تقلید رفتارهای کسانی که برای نقش خاصی الگو و اسوه قرار می گیرند یا مشاهده این الگوها در رسانه های جمعی آموخته می شود.

از آن جا که بیش تر آموخته های فرهنگی در ذهن ناخودآگاه آدمی قرار دارد، غالباً آدمی نمی داند چه می داند. آن چه که ذهن نامیده می شود، در واقع، فرهنگ درونی شده است. یعنی هر کس بیان گر فرهنگ خود است و فرهنگ هر کسی در وجودش خلاصه شده است.

حضرت امام خمینی علیه السلام می فرمودند: ما هفتاد سال یا بیش تر است که دانشگاه داریم، از فرمان امیرکبیر تا حالا مدرسه داشتیم، دانشگاه داریم. نگذاشتند که مدرسه ها و دانشگاه ها درست درس بخوانند. فرهنگ ما هنوز فرهنگ استعمار است. راه صلاح یک مملکت، فرهنگ آن مملکت است. اصلاح باید از فرهنگ شروع بشود.^۲

رهبر معظم انقلاب می فرمایند: ... این علوم انسانی که امروز رایج است، محتواهایی دارد که ماهیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است، متکی بر جهان بینی دیگری است، حرف دیگری دارد. وقتی این ها رایج

شد، مدیران بر اساس این‌ها تربیت می‌شوند، همین مدیران می‌آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاست داخلی و خارجی و امنیت... قرار می‌گیرند.^۲

پژوهشگر اندیشمند جناب حجت‌الاسلام سید علی‌اصغر علوی در اثر ارزشمند خود تحت عنوان «آبروی علم» نسبت نهضت تولید علم با نهضت حسینی را مقایسه و تحلیل کرده است. به بیان دیگر نهضت اباعبدالله الحسین به عنوان پارادایم متعالی در نظر گرفته شد و بایسته‌های علمی و وظایف دانشمندان که آن حضرت در جمع نخبگان ایراد فرمودند، تبیین گردید. در «نخستین مقتل مدیریتی» از دریچه مسائل مدیریت، تاریخ عاشورا را مرور می‌کند. راه فهم روضه‌ها را مدیر بودن می‌داند. مفاهیم تعهد سازمانی، برادری، همکاری یا عدم همکاری را کسی بیش‌تر درک می‌کند که در این وادی قدمی زده باشد. سازمانی را اداره کرده باشد و از مشکلات و مسائل سازمانی اطلاعاتی داشته باشد. در «دانشگاه هویزه» به مسائل از حوزه رفتار سازمانی پرداخته است و در این اثر جدید، «توجیه المسایل کربلا» کرانه ناگشوده‌ای را گشوده است. هنگامی که عمل انسان با باورها و ارزش‌های وی سازگاری نداشته باشد، آرامش ذهنی خود را از دست می‌دهد، برای آرام‌سازی خود دست به دلیل‌تراشی می‌زند و بهانه‌های فراوانی پیدا می‌کند. امید است مدیران بیش‌تر با این آثار آشنا شوند تا با راز ماندگاری یعنی تلفیق منطق و عاطفه آشنا شده و خستگی‌ناپذیری در دست‌یابی به هدف را تجربه کنند.

